

متن پرسش

با سلام: ۱. به چه دلیل روش ما یا بهتر بگوییم طلب ما نباید مثل افرادی همچون منصور حلاج باشد (البته ذیل شخصیت امام خمینی (ره) (همچو منصور خریدار سر دار شدم) مگر افرادی چون آن بزرگواران کار اشتباهی کردند؟ ۲. آیا روش پسر امام هم همین روش نبوده و چرا عده ای چون جنید مامور به ظاهر می شوند که حکم قتل منصور را بدهد و عده ای مامور به باطن؟ ۳. آیا شریعت انسان را از طریقت باز می دارد؟ ۴. جایگاه احادیثی همچون امام سجاد (ع) که می فرماید من پنهان می کنم خلاصه علم خود را تا جاهلان بر من نشورند از سخنان حق و این علم خاصان است که اگر اظهار کنم هر آینه بگویند مرا که (بت پرست) است و (مسلمانان) خون مرا حلال دانند و هر بدی که در حق می کنند آن را موجب ثواب شناسند و همین علم را علی (ع) جدم به من وصیت کرد و به امام حسن (ع) و حسین (ع) وصیت کرد که به کسی اظهار نکند. خلاصه علم آیا علم توحید است چون از ظاهر ساختن علم شریعت و طریقت کسی خون کسی نمی ریزد. اگر امکانش است در شخصی جواب داده شود. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بعضی خراباتی‌اند و بعضی مناجاتی. و هر دو در طریقت الهی در ذیل شریعت حضرت حق می‌توانند جلو بروند. در مورد علم توحید همان‌طور که حضرت سجاد «علیه‌السلام» می‌فرمایند ظرایفی هست که اگر مردم معمولی با او روبه‌رو شوند همان خدایی را هم که می‌پرستیدند از دست می‌دادند. سخن حضرت سجاد «علیه‌السلام» تذکری است به ما که متوجه باشیم طریقت رجوع به حق، بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر از آن است که در ابتدای امر با آن روبه‌رو می‌شویم. موفق باشید